

تأثیر تمدن های بیزانس-ساسانی بر شیوه ی حکومت داری و تشکیلات اداری امویان

حاتم موسایی¹، غفار پوربختیار²، عبدالعزیز موحد³

چکیده:

دربسیاری از پژوهش های مربوط به دوره ی امویان به نقش و تأثیر تمدن های بیگانه بر دیوانسالاری و امور اداره ی حکومت، امویان به چشم می خورد. امویان از یک سوبه سبب ناآگاهی و نیاز تشکیلات، از سوی دیگر به سبب مهارت های دول بیگانه در امور کشور داری و دیوانسالاری، تحت تأثیر شیوه ی دیوانسالاری آنها قرار گرفتند. لذا تدوام حکومت و دیوانسالاری امویان، و امدار دیوانسالاری دولت های بیگانه ی روم و ساسانی پیش از اسلام می باشد. بنابراین این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی مبتنی بر داده های کتابخانه ای و اسنادی در پی یافتن پاسخی مناسب به این سوال است که چگونه حکومت داری و تشکیلات اداری امویان تحت تأثیر تمدن های بیگانه از جمله روم و ساسانی قرار گرفت؟ یافته های این پژوهش نشان می دهد که غنای تمدنی و نظام دیوانسالاری دول بیگانه به دلیل همجواری و تسلط اعراب بر قلمرو این امپراطورهای روم و ساسانی، از دستگاه اداری و دیوانسالاری آنها تقلید کردند و اداره ی حکومت و تشکیلات خود را به سبک و سیاق حکومت های بیزانس و ساسانی مستحکم و به آن تدوام بخشیدند.

واژه های کلیدی: امویان، دیوانسالاری، حکومت داری، بیزانس، ساسانیان.

¹ - دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. Hatammousaei@Gmail.com

² - استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول) pourbakhtiarghafar@gmail.com

³ - استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران movahed1342@yahoo.com

جامعه عرب پس از فتح ایران و روم با یک مجموعه نظام مند و پیچیده حکومتی مواجه شدند خوی و عادت زندگی بیابان نوردی آنها با حکومت و آداب و تشریفاتی درباری موافق نبود. اما پس از فتح سرزمین های متمدن، تحت تأثیر سنن و آداب حکومت داری آنها قرار گرفتند. خلفای اموی با اقتباس از سنت های بیزانسی و الهام از امور دیوانی ساسانیان و نیز با کمک خبگان این امور در سرزمین های فتح شده، پایه های قدرت خود را استحکام بخشیدند. به همین منظور آنان دست به اعمالی زدند که به انتظام نظام اموی منجر شد آنها با به کار بردن نظام اداری، دیوانی و حقوقی بیزانسی در وهله اول و در مرحله دوم با برداشت از نظام دیوانی ساسانی به تأسیس موسسات و دیوان های خاص خویش اقدام نمودند

روش تحقیق:

بنابراین این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی مبتنی بر داده های کتابخانه ای در پی یافتن پاسخی به این سوال است که چگونه حکومت داری و تشکیلات اداری امویان تحت تأثیر تمدن های بیگانه قرار گرفت؟ یافته های این پژوهش نشان می دهد که غنای تمدنی و نظام دیوانسالاری دول بیگانه به دلیل همجواری و تسلط اعراب بر قلمرو این امپراطورها، از دستگاه اداری آنها تقلید کردند و اداره ی حکومت و تشکیلات خود را به سبک و سیاق حکومت های بیزانس و ساسانی مستحکم و به آن تداوم بخشیدند.

پیشینه تحقیق:

در زمینه تأثیر تمدن های بیگانه بر دیوانسالاری امویان، تحقیقات چندانی انجام نشده است؛ دري نجمه(۱۳۸۶) در مقاله «تأثیر پذیری اعراب از ایرانیان در آداب حکومت داری» به تأثیر شیوه های حکومت داری ایرانیان بر اعراب و آداب خاص شاهان پرداخته است. آذرتاش آذرنوش (۱۳۸۸) در کتاب «راه های نفوذ فارسی در زبان و فرهنگ جاهلی» به نقل و اثره های فارسی در شعر عصر جاهلیت پرداخته است. رمضان رضایی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله «نقش دبیران ایرانی در تأسیس و تکوین دیوانسالاری اسلامی» بیشتر نقش دبیران در شکل گیری حکومت اسلامی را کانون توجه قرار داده است و از توجه به چگونگی ابعاد دیوانسالاری توجه نکرده است. کتاب «عقلانیت اخلاق عربی و تأثیر سنت

خسروانی» اثر جابری (۱۳۹۶) نیز با بررسی میراث ارزش های اخلاقی چند فرهنگ متفاوت، به نقد عقلانیت اخلاق عربی پرداخته و نتیجه می گیرد که چنین ارزش های اخلاقی را در میراث خسروانی یافت می شدند، لذا به ارزش های اخلاقی پرداخته نه اشاعه شیوه ی حکومتداری و دیوانسالاری ایرانی که وارد فرهنگ اعراب شده است. کتاب «زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان» اثر مناظر احسن (۱۳۸۳) نیز به اختصار اشتراکات آداب و سنن ایرانی و عربی پرداخته است و بیشتر یک کتاب توصیفی است. اسعدی زهره (۱۳۸۷) در کتاب، روابط خلفای بنی امیه با امپراتوری شرقی، بیشتر به روابط این خلافت با امپراتوری شرقی برپایه دشمنی و جنگ پرداخته است. و بیشتر روابط اقتصادی و سیاسی را مورد وجه قرار داده است.

تولایی خوانساری، حسین (۱۳۸۸) در مقاله ای تحت عنوان تأثیر هنر معماری بیزانس و ساسانی بر معماری دوره ی اموی، به تاثیر عناصر هنری بخصوص معماری این دول بر معماری امویان پرداخته و بیشتر تاثیر هنر را بررسی کده است.

یافته های تحقیق:

امویان و نظام های بیگانه:

خلفای اموی چه نوع دولتی تشکیل دادند و چگونه حکومت کردند. عرب ها در ابتدا فتوحات تا اندازه ای صحرانشین بودند. (لوکاس، ۱۳۷۶ : ۳۵) البته فرماندهان این سپاه فاتح را همیشه یک فرمانده شهرنشین که قبلاً وابسته به خاندان های تجارپیشه قریش بوده به عهده داشت و با جهان پیرامون آشنا بوده و فقط یک صحرانشین دور افتاده از تمدن نبودند. قسمت عظیمی از سپاه اسلام در حمله به ایران را مردم حیره و اطراف آن بودند که از سال ها قبل با پادشاهان و حکومت ساسانی آشنای کامل داشتند و همچنین مردم عربی/مسیحی که اکثریت ساکن بین النهرین از حیره تا سرزمین آشور از زاگرس تا صحرا بودند. (یارشاطر، ۱۳۷۷، ج ۳ : ۹۶) که بعضی از آنها به الحمراء معروف شدند؛ یا همچنین اعراب غسانی که در سپاه رومی در حدود مرز بودند که با سپاه اسلام ادغام شدند و سرزمین های سوریه و شامات را فتح کردند. به همین دلیل باید این روایت منسوخ که اعراب مسلمان یک مشت صحرانشین بدوی که برای غارت به سرزمین های دیگر یورش بردند و عامل اقتصادی در آن حائز اهمیت بود را کنار زده و با نگاهی نو و نقد ادبی منابع نظرات نویسندگان و مورخین مغرض رد کرد.

سازمان های قبیله ای عرب ها به طرزی نامنتظره منسوخ شد و آنها نهادهای حکومتی سرزمین های گشوده شده، خاصه نهادهای بیزانسی و ساسانی را اقتباس کردند. حتی فارس ها، یونانی های، بیزانسی ها، یهودی ها و سوری ها را به منصب های مهم گماشتند. البته خلفای اموی عرب های مورد اعتماد را برای احتیاط ناظر بر کار آنها قرار می دادند. (لوکاس، ۱۳۷۶ : ۳۵۷)

عبدالله العروی در کتاب اسلام و مدرنیته راجع به ساختار دولت و نظام اداری که در اسلام پایه گذاشته شد با تاسی از ابن خلدون می گوید نظام خلافت مدت زیادی دوام نیاورد و همچنین نظام های زیادی که با آن کاملاً مخالف بودند، پیش و پس از آن وجود داشته اند. (العروی، ۱۳۸۱ : ۱۷)

نظام خلافتی که در سقیفه پایه گذاشته شد. ابتدا در همان مدینه در سال ۵۳۲ ق مورد تعرض قرار گرفت که خلیفه کشته شد. خلیفه که جانشین پیامبر از سوی مسلمانان بر شمرده می شد و اعتبار او باید نه هم چون پیامبر اما به عنوان جانشین پیامبر معتبر شمرده می شد. با انقلابی که بر علیه عثمان پیش آمد گروه های متعدد از اطراف و اکناف سرزمین اسلامی از مصر، کوفه، بصره، یمن متحداً و یکدست علیه خلیفه شوریدند و او را کشتند. این دومین عمل ناروایی در جامعه اسلامی نسبت به جایگاه خلیفه که قرار بود یک منصب الهی - مردمی و مورد احترام باشد و مورد تعرض قرار گرفت.

سومین بار هم با قیام اصحاب جمل (ناکثین)، اهل شامات (قاسطین) و نهروانیان (مارقین) بر خلیفه، اعتبار و مشروعیت اصل خلیفه را مورد تعرض و شماتت قرار دادند و پنج سال خلیفه وقت (علی ابن ابیطالب) را گرفتار جنگ و تخاصم و چالش کردند. گویا این شخص خلیفه و جانشین پیامبر نبود که مردم در یک انتخاب آزاد او را برگزیده بودند و باید اطاعت می شد. در نهایت با همکاری این سه دسته به وسیله فردی کوتاه فکراز خوارز نهروان اهل الحروا، به شهادت رسید. (عبدالمقصود، ۱۳۶۶ : ۱۰۲)

بنابراین امر خلافت قبل از آن که مورد تعرض نیروی خارجی قرار گیرد، به وسیله خود مسلمان ها متعرض به آن و بی اعتبار شد. این نظام بوسیله یکی از مخالفان سرسخت اسلام، معاویه ابن ابی سفیان، از بین رفت و نظام سلطنت موروئی را با گزینش فرزندش به عنوان جانشین مرسوم و رسم نمود، بعد از او به عنوان نهاد حکومتی مسلمانان معمول گردید. سپس نهاد خلافت فقط نامی بی مسمای گشت که گاهاً سلاطین بنی امیه و حاکمان بعد آن را از بهره مطامع شریعت در جهت منافع خویش و مردم به آن اعتبار بخشیدند و آن را

به بازی گرفتند.

تاثیر هنر معماری بیزانس و ایران ساسانی بر معماری دوره اموی و نقش آن بر استحکام حکومت آنها

با گسترش فتوحات مسلمان در بیزانس و ایران ساسانی آنان با تجربیات و ظرفیت‌های هنری آن مناطق تحت حاکمیت ایران و بیزانس بودند، آشنا شدند لذا میزان این تاثیرات و همچنین نحوه و چگونگی تاثیر گذاری در حوزه‌های مختلف هنری متفاوت بود به طوری که بیشترین تاثیرات در حوزه معماری و ساختارهای مربوط به آن مشهود است که به روحیه تجمل پرستی امویان می‌توان در شکوه و عظمت مساجد کاخ‌ها و حمام‌های سلطنتی پی برد (اعلام ۱۳۸۲ و ۱۹) این تجمل گرایی و شکوه کاخ‌ها حکومت به استحکام و بقای آنها کمک نمود می‌توان تجمل پرستی را میراث معاویه برای نسل‌های پس از او دانست (زرگری نژاد، ۱۳۸۳: ۵۴-۵۵). این بناهای باشکوه و مساجد کارکرد سیاسی داشتند تا به واسطه شکوه آنها، اقتدار خود را نشان دهند.

معماری امویان که به معماری مذهبی و غیر مذهبی دسته‌بندی می‌شوند، بناهای مذهبی شامل مساجد سلطنتی و مساجد امویان و کاخ‌ها حمام‌ها بناهای جزبناهای غیر مذهبی می‌باشند. می‌کند هلمین برنر بیان می‌کند که امپراتوری اموی این سنت را پایه گذاری کرد که مسجد به غیر از اینکه یک محل عبادت و کانون زندگی اجتماعی می‌باشد می‌تواند به عنوان یک ابزار سیاسی جهت تداوم حکومت مورد استفاده قرار گیرد (هلمین برد، ۱۳۹۳: ۷۳). از ویژگی‌های منحصر به فرد این مساجد در زمان خود، گنبد سربی با روکش طلا بود (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۱۵). بعضی از مساجد سلطنتی مملو از تزیینات ساسانی بودند (رایس، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۱) در سقف‌های مساجد سلطنتی چهار هزار تیکه چوب و هفتصد تیر چوب و در سقف آنها سرب به کار رفته بود (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۳۹). که این جواهرات و تزیینات نشانه ی ثروت، تقدس و قدرت حاکمیت می‌دانستند (گرابار، ۱۳۷۹: ۶۴-۶۳). یکی از مساجدی که ولید بر شکوه آن افزود تا اقتدار خود را به نمایش بگذارد بازسازی مسجد النبی بود او از قیصر رم درخواست کمک نمود که یکصد هزار مثقال طلا و یکصد کارگر ماهر چهل بار موزاییک برای او فرستاد (طبری، ج ۹، ۶۰: ۱۳۵۳). اغلب کاخ‌های تجمل گراییه ی امویان که اقتباس از معماری و هنر رومی و ایرانی است در بیابان و خارج از شهر ساخته شده‌اند زیرا شهرها در معرض بیماری‌های واگیردار بودند آنها از آنجا دوری می‌کردند (هاتشتاین و دیلیس، ۱۳۸۹: ۶۰) بعضی اعتقاد دارند که بیابان

نشینی اعراب دلیل ساخت کاخ‌ها در بیابان می‌باشد (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۱۶۶). یکی از دلایل گزینش این مناطق تلاشی بود برای مخفی نگه داشتن اعمال خود از چشم مردم بود.

از جمله تزیین این کاخ‌ها نقاشی نقش پیکر خلیفه همراه دو شیر را نشان می‌دهد که ملازمان با لباس فاخر در طرف او ایستاده اند که تقلید از معماری روم و ایران است (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۹۴: ۴۳). لذا این تصاویر در واقع خلیفه می‌خواهد اقتدار خود را نمایش دهد.

امویان نمادها و نشانه‌های هنری و فرهنگی تمدن‌های روم و ایران از جمله موسیقی، آلات موسیقی آواز، ظروف سفالی خوراک و پوشاک و جواهرات جهت رفاه و خوشگذرانی خود نیز اقتباس کرده‌اند (اولاگوئه، ۱۳۶۵: ۳۹۸) ساخت مساجد پرشکوهی و با تاسی از معماری تمدن‌های روم و ایران که در تاریخ عنوان مساجد سلطنتی از آنها یاد می‌شود علاوه بر کارکردهای اجتماعی کارکردهای سیاسی و تبلیغاتی و تجملاتی داشتند که برای نمایش قدرت و شکوه امپراتوری خلیفه بود علاوه بر مساجد و عناصر آن کاخ‌ها و قصرها و حمام سلطنتی نیز از آن دوره باقی مانده است که با اقتباس از معماری بیزانس و ساسانی ساخته شده و آنها با این شکوه و شوکت بناهای خود که در نگاه مردم عظمت حکومت خلیفه را جلوه می‌بخشید به تداوم حکومت خلیفه قوام می‌بخشید.

نظام رومی و تاثیر آن بر نظام اداری امویان

دولتی که بنی امیه خاصه معاویه و عبدالملک بنیان آن را گذاشتند یک دولت دنیوی خاص منافع قبیله‌ای به شمار می‌آمد. نتیجه عملکرد آن برافتادن نظام خلافت و برآمدن نظام سلطنت اکاسره و امپراطوری قیاسره، نظام‌های که اسلام برای مقابله و براندازی آن آمده بود. این نظام در دوران بنی امیه برقرار شد؛ یعنی نیم قرن نشده آموزه و جلوه‌ای که اسلام برای رهبری جامعه در نظر داشت برافتاد. (بارتولد، ۱۳۵۸: ۸-۱۶)

آن چه جایگزین شد به این صورت بود که مجموعه ای سیاسی که تشکیل نظام و ساختار حکومتی عربی اسلامی گردید بر مبنای عربی اسلامی و آسیایی بود. این شکل یا مجموعه در جامعه بدوی شمال شبه جزیره عربی پدیدار شد، و مشخصه اصلی قبیله اش را حفظ کرده بعداً این مجموعه از خلال رویدادهایی که قطعاً ویژگی یک انقلاب را دارند، اسلامی شد. در واقع اسلام مبارزه ای اخلاقی برضد اخلاق قبیله ای است. اخلاق قبیله ای با حفظ کامل مبانی اش به انقلاب سیاسی تبدیل شد، تضاد بین اسلام و اخلاقی که بر ضد آن قد برافراشت، هرگز از بین نرفته است. در مرحله سوم در پی فتوحاتی که مسلمانان را از شبه جزیره عربی خارج ساخت تا وارثان امپراطوری های جهانی شرق باستان بشوند. این نظام حکومتی که پدیدار شد، نظام حکومتی آسیایی نامیده می شود. (العروی، ۱۳۸۱ : ۲۴۵)

البته شایان ذکر است مقصود از نظام امپراطوری شرق باستان شامل امپراطوری روم هست، چرا که امپراطوری روم از عهد ژولیوس سزار اکتایوس یا همان آگوست بنیان امپراطوری جامه شرقی به خود گرفت. (دورانت، ۱۳۷۲ : ۲۶۷) قابل یادآوری است که این امپراطوری در عهد روم بیزانس و امپراطوریان ژوستینان ها کاملاً بعد شرقی به خود گرفته بودند. (دورانت، ۱۳۷۳ : ۱۲۹-۱۴۵)

باید پذیرفت که حاکمان بنی امیه چون در شام زندگی می کردند و شدیداً به امپراطوری روم بیزانسی نزدیک و همسایه دیوار به دیوار آن بودند، خیلی از امور و آداب و رسوم حکومتی و دیوان و دولت را از رومیان و یونانیان برداشته اند. آنها حتی در سکه زدن و بنیان های حکومتی دقیقاً شبیه رومیان و یونانیان عمل کردند. این که از سکه های ساسانی یا آداب ایرانی برداشت کردند تنها در آثار مورخین معاصر همانند زرین کوب و امثالهم آمده است. اما هیچ کدام از مورخین قدیم و

سرزمین های اسلامی به این موضوع اشاره ای ندارند. مورخین غربی که بعضی از آنها تحت تأثیر سنت پادشاهی ایرانی قرار گرفتند و بعضاً بدون نقد و سند این موضوع را مطرح می کنند هم تحت تأثیر شدید ناسیونالیسم شیعه گری ایران جدید از عهد رضاشاه شکل گرفت، هستند، و هنوز نقد تاریخی به این آثار نشده است. اما مورخین صاحب نظر و بی طرف این مسئله را رد کرده اند که امویان تحت تأثیر نظام اداری ساسانیان بودند. ■

یکی از بارزترین خصوصیت اسلام در امر تشکیل نهادهای اجتماعی استفاده از نهادها و عناصر همان جامعه ای که در آن زندگی می کند بود. همانطور که گفته شد، اسلام حتی بعضی مناسک دوره جاهلیت را مورد استفاده قرار داد یا به این گزینه ها در دورن و برون تغییرات شگرفی داد و چون هدف را مشخص کرده بود آن عنصر در خود تغییرات فراوانی دید. ابن خلدون در امر تأثیر مردمان غیرعرب (فارس، روم، قبطی) بر سازمان اداری و تنظیمات حکومتی می گوید: «آن زمان که عرب به سلطنت و کشورداری رسید و قدرت و تسلط ایشان به اوج کمال ارتقاء یافت و ملت های غیر عرب خدمت آن را به گردن گرفتند و در زیر فرمانروایی آنان واقع شدند و هر هنرمند و صنعتگری فراخور هنر و فن خود به آنان تقرب جست. آنان در نیازمندی های گروهی، ملاحان بیگانه از ملل گوناگون را استخدام کردند». (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۴۸۳)

اسلام در صدد سازماندهی جهت اداره امور بود و نسبت به سامان دادن امور بی تفاوت نبود بلکه مطمئن است تغییر هدف خود، نهاد اجتماعی را تغییر خواهد داد و می پذیرد که نهادهای گذشته را به خدمت گیرد و از معاصران هنوز مسلمان نشده اقتباس کند. بدین ترتیب دولت جدید ابتدا بر پایه امپراطوری بیزانس و سپس برمبنای پادشاهی ساسانی شکل می

گیرد. مسئله عقلانی کردن وضعیتی جدید مطرح می شود که آن را اجتماع گسترده چند نژاد پدید آورده است. (عروی، ۱۳۸۱: ۲۶)

عمل معاویه در تغییر نظام خلافتی جمهوری به نظام سلطنتی موروثی بدلیل احتراز از جنگ قدرت و اختلاف و نفاق مابین جامعه اسلامی است، همکان می دانستند که این یک توجیه برای حفظ قدرت در خاندان خویش بود، و از پادشاهان و امپراطوران (قیاصره و اکاسره) اخذ کرده است. و شیوه ی حکومتی این دو نظام سیاسی و تمدنی شدیداً بر نحوی حکومت داری معاویه تأثیرگذار بود و به تبع مایه تعجب نبود اگر این نحوه حکومت داری در خاندان او موروثی و سلطنتی شود. ■

خاندان اموی در امور حکومت خویش چه از زمان والی گری شامات و چه بعد که ریاست تمام سرزمین اسلامی را به دست گرفتند، همیشه در امور و تمشیت روزگار خود با تقلید از تمدن ها و سرزمین اطراف خویش عمل کردند. آنها تمام هم و غم خود را بر عربیت نظام خویش اصرار و ابرام عجیب نمودند، اما در جاهای که برای پیش برد برنامه ها و اعمال خویش در حکمرانی و تسلط بر مردم نیاز به اتخاذ تصمیمات مهمی پیش می آمد قائل به استفاده از هر وسیله و اهرمی برای حرکت خویش بودند. ■

برای اثبات این گفته به استدلال معاویه در برخورد با عمر بن الخطاب به صدق گفتار ما یاری رسان است. معاویه هنگام آمدن عمر به شام با ابهت و شکوه و لباس پادشاهی و سپاهیان گران و بسیج فراوان با عمر بن خطاب، ملاقات کرد، عمر این وضع را ناپسند شمرد و گفت: «ای معاویه آیا به روش کسریان و خسروان گراییده ای ؟ معاویه گفت: ای امیرالمؤمنین، من در مرز می باشم که با دشمنان رو به رو هستیم و ما

را در برابر مباحثات ایشان به آرایش جنگ و جهاد نیازمندی است». (ابن خلدون، ۱۳۶۹، ج ۲ : ۳۹)

بنابراین از اولین اقدامات دولت اموی در امر حکومت همین برداشت و تقلید از ابهت و بارگاه و تجملات درباری ساسانی و بیزانسی بود. بعدها در راستای حکومت کردن خویش از آداب و رسوم اداری و دیوانی هم نهایت استفاده را بردند تا پایه های حکومتی خویش را استوارتر و محکم تر کنند .

وجود این ترتیبات و ترکیبات اداری و سازمان حکومت که در عهد خلفای راشدین پایه گذاشته شد مدل الگویی بود که خلافت یا سلطنت اموی از آن برای حکمرانی و حکومتداری خویش استفاده کرد و در طی دوران بعدی پایه و اساس گذاشتن آن، الگوهای خارجی مانند رومی، ساسانی را به آن اضافه کرده و با ادغام این دو نیرو آنها اساس و بنیان نظام اداری و سازمان حکومت داری خویش را تکامل بخشید .

با توسعه سرزمین های اسلامی و برقراری حکومت اموی خلفای بنی امیه با تقلید و الگوبرداری از نظام امپراطوران رومی و شاهان ساسانی در صدد آسایش و خوش گذارانی برآمدند. الگوبرداری از سازمان های سرزمین های فتح شده و دولت های همجوار را پایه گذاشتند. به همین منظور کسانی برای انجام مهام مملکت داری و حکومتی به جای خود گماشتند و کارهای دولتی را به این مأموران منصوب محول کردند و میان آنها به تقسیم وظایف اهتمام نمودند، تا آنها فراغت یابند تا به آسودگی خاطر به این قبیل امور (عیش و نوش) بپردازند. (زیدان، ۲۵۳۶ : ۸۹)

در همین راستا است که ابن خلدون معتقد است، پس از آنکه، کار کشورداری بزرگ شد و اهمیت یافت چنانکه برای امور قبایل و جمعیت ها و الفت دادن آنان با یکدیگر مشاور و معین برگزیدند و بر وی نام

وزیر اطلاق کردند، لیکن امر محاسبات در دست موالی و ذمی ها باقی بود. (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۴۵۵) از این روایت ابن خلدون برمی آید که امور محاسبات و حساب داری و دفاتر خراج و دفاتر دیگر در اوان حکومت به دست افراد غیر عرب و مسلمانان و بیگانگان که معمولاً از سرزمین های رومی و ساسانی بودند انجام می شد.

برای دفتر احکام دبیر(کاتب) مخصوص تعیین شد که بر اسرار سلطان احاطه داشت و نمی گذاشت اسرار او منتشر بشود تا در نتیجه سیاست او و قومش تباه گردد. به همین سبب وزارت در این روزگار از بالاترین درجات در دولت بنی امیه به شمار می رفت. زیرا که وزیر به طور عموم به چگونگی تدبیر امور و مشاغل دولتی و درجریان امور کشورستائیه و نگهبانی از کشور و مسائلی که مربوط بدان می شود، نظارت و به وضع دیوان سپاه و لزوم پرداخت مستمری های سالیانه به شایستگی و جز این ها می اندیشید. (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۴۵۵)

در ابتدا محاسبات نزد اعراب مسلمان دشوار بود، بعد از آن که غنایم از حد و اندازه متداول گذاشت، کیفیت خراج و هزینه ها و محاسبات نزد ایشان ثقیل بود، زیرا این قوم(عرب) با این مسائل آشنا نبود. نوشتن و شمردن را نیک نمی دانستند از این رو امور حساب را به اهل کتاب (یهود و نصاری) یا افرادی از موالی عجم که در آن مهارت داشتند واگذار می کردند.

بدین منظور سازمان های دولتی و تشکیلات که از قبل و به سادگی به یک یا دو دفتر کفایت می شد حال با وضعیت جدید پدید آمده، امور توسعه یافته و شاخ و برگ بسیاری بر آن افزوده شد. بنا به قانون ارتقاء و گسترش، سازمان ساده حکومت اسلامی جدید از تشکیلات اداری رومیان و تا حدودی حکومت ساسانی اقتباس گردید. پادشاهان اموی بنا به

قاعده تجمل پرستی و اشرافیت گونه خود برای فزونی و جلال و شکوه نظم خود و البته ارباب و انضباط مردم، اقدام به گماردن دربان و نگهبان و ملازمان و گماشتگان مخصوص نهادند. (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۱۴۵) امری که در عهد خلفای راشدین نبود. اما این اصول و حواشی حکومتی در نزد رومیان، غسانیان، فراعنه مصر، پادشاهان ساسانی به فراوانی بوده که باعث جدایی مردم از حکومت و ایجاد تبعیضات فراوانی می شد، آمدن اسلام هم برای رفع این عوامل تبعیض بود. اما ملوک اموی در یک دوره کوتاه این عوامل ناپسند، ضد مردمی را در حکومتی بنام اسلامی برقرار و تا توانستند به حواشی آن افزودند. با این بنیان اساسی بزرگ، الگوی برای تمام حکومت های می شود که به نام اسلام بعد از آنها در سرزمین های اسلام حکم رانده شدند. (گارده، ۱۳۷۰: ۱۴۹)

امویان با تأسی از دولت امپراطوری بیزانسی که بر بنیان یک اصل نظامند استوار و تنظیم شده بود. (حلاق، ۱۹۸۹: ۳۴) تصمیم گرفت که سازمان های اداری آنها را برای دولت خویش اتخاذ کند. (عبدالطیف، ۱۹۸۴: ۵۶۰) به همین منظور در دوران حکومت آنها پنج اداره یا پنج سازمان بزرگ را به وجود آورد که در مسئولیت حکومتی یاری دهنده باشد. (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۶: ۱۸۵) این سازمان یا دیوان یا به عربی دفتر شامل: ۱- سازمان خراج ۲- سازمان سپاه (جند) ۳- سازمان رسائل (نامه ها) ۴- سازمان حاکم ۵- سازمان برید (پست) بودند. (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۲۴)

درواقعه نظام اسلامی از عهد عمر به اتخاذ این سازمان اداری همت نمود بنیانی بود که برای حکومت های بعدی الگو و اساس گردید. این مسئله تأثیر بسزایی در نظام اموی بخصوص در عهد مروانیان گذاشت و از خبرگی مردمان سرزمین های مفتوحه که با هویت و زبان خویش عمل می کردند، استفاده می شد. (بیضون، ۱۳۹۸: ۱۵۱).

یکی از شاخص های مهم و بارز نظام اموی اختصاص دادن مزایا به اعراب بود. در جهان اسلام با به قدرت رسیدن معاویه؟،

آغازگر بیست سال صلح داخلی و آبادانی و فتوحات نظامی بود. چند عامل در این پیشرفت دخیل بودند. از این عوامل می توان این گونه سخن گفت اول طرز اداره درست کشور با اقتباس از نظام بیزانسی که معاویه با هوشمندی آن را پذیرفت و با بهره برداری از خدمت مشاوران شایسته در بهبود آن کوشید. مشاورانی رومی همانند سرجون و پسرش منصور به خاندان اموی خدمات نیکوی انجام دادند، (حلاق، ۱۹۸۹ : ۳۳) این مشاوران که بیشتر در امور مالی خدمت کردند از مسیحیان بودند. دوم برخورداری اعراب از یک تمدن در حد و اندازه عالی که بوسیله اعراب مهاجرت کرده به نواحی خارج از شبه جزیره عربستان در دوران پیش از اسلام به آن رسیده بودند، که در نتیجه آن به پیروی از نظم و اطاعت از حکومت مرکزی عادت داشتند. (هولت، ۱۳۷۷ : ۱۲۶)

نظام اداری دولت اسلامی به طور کلی مانند نظامات اداری روم و دولت ساسانی بود. گر چه انتظار می رفت که عرب ها هنگام تسلط خود در عراق و سرزمین ایران و مصر و سوریه و افریقایه موضع حکومت تغییر کند. لکن این امر متحقق نگردید، چون که مردم ساکن در این سرزمین ها نظامات و تنظیمات سیاسی و اداری خاص و معین خودشان را داشتند که مربوط به پیش از برآمدن مسلمانان و تسلط آنها بر این سرزمین ها جاری و ساری بود. مسلمانان همان تنظیمات اداری برای اداره کردن سرزمین های مفتوحه را پذیرفتند. دلیل آن این بود چون عرب های مسلمان خود تنظیمات اداری و سازمان یافته دولتی نداشتند و اگر هم داشتند، بسیار ساده و مربوط به دوران قبل از اسلام و با توجه به زیست و محیط خویش در عربستان بود. آنها مجبور شدند که این سرزمین ها را با قوانین خودشان اداره و سازمان دهند. البته با مرور

زمان و گذر ایام بخش هایی از این امور و تنظیمات را به اقتضای عقاید دینی خویش و مصالح و مردم عمل و تعدیل کردند. (ابراهیم حسن، ۱۳۶۶: ۴۵۸)

گروهی از رجال عموماً آرام و بی مدعی، اما بسیار با عزم و هدف که بیشتر ایام عمر خود را در دوره اموی به سر آورده بودند بار مسئولیت وظایف اداری را بر دوش می کشیدند. اینان دبیران ساسانی بودند. آنها در بیرون از قلمروی ساسانی نیز یافت می شدند، و در همه جا رخنه آنها در آن روزگار نخستین اسلام آرام اما قاطع و عمیق بود. (فرای، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۳۹)

ساسانیان و تاثیر آنها بر تشکیلات اداری امویان

اعراب ابتدا به مثابه ناظران و مدیران تازه عمل می کردند. در سال ۴۷ ق/ ۶۶۷م. زیاد بن ابیه، والی بصره پنجاه هزار خانوار عرب را از بصره و کوفه کوچ داد بدون تغییر و تعدیل ساخت قبيله ای آنها بلکه قصد تحکیم پایه های فتوحات سابق و آغاز فرهنگ پذیری و رخنه عرب در ساختارهای ساسانی موجود بود. در تاریخ فتوح عرب با ویژگی مشترکی مواجهیم که عبارت از یک: سوابق نظام اداری موجود (به دهقانان و مرزبانان وظیفه گردآوری مالیات سپرده شد) دوم: دخالت سریع اعراب در سیاست محلی و نظام اداری ساسانی بود. (فرای، ۱۳۶۳، ج ۳: ۴۲۹)

در همین ارتباط نظام عربی اموی در سال های ۵۰-۴۶ ق/ ۷۰-۶۶۷م. تلاش فراوانی نمود تا با دستاویز فشار، سازمان اداری متمرکزی بنیاد گیرد. و با تقسیم بندی جدید مالیات خراسان را تابع مالیه عراق کرد که قدرت مانور و اعمال حجاج بود که توانست چیرگی اعراب را میسر

کند. (محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ۱۰۴) در ابتدا مالیات گیری بر پایه جزیه به سود زمینداران ادامه داشت. قدرت اقتصادی میان فاتحان عرب و بازماندگان محلی تقسیم شده بود، به معنای قوام اداری و دیوانی بازماندگان محلی که از نظام ساسانی بود این توان را به قدرت جدید می داد تا امور اقتصادی و بازرگانی و اداری خود را نظم بخشید. نقش ایرانیان در عهد امویان در ناحیه خراسان و ماوراءالنهر چنان مشهود است که تمام سیاست خود را بر عناصر ساسانی برای انتظام و تنظیم امور گذاشتند. ■

دهقانان یا اشرافیت زمیندار عصر ساسانی در تقسیمات اداری دوره اسلامی نیز به عنوان نمایندگان دولت در مناطق روستایی املاک و اراضی سابق خود را همچنان نگه داشتند. این امر باعث گردید تا این دهقانان عامل مهم در انتقال سازمان اداری به اعراب باشند و راه و رسم سازمان را به اعراب بیاموزند (بیهقی، ۱۳۷۴: ۲۹۹)

یکی از اقدامات مهم که زمینه ساز تبدیل امور اداری و ایجاد دیوان گردید در همان ابتدا، که به تصرف پادشاهی ساسانی انجامید. گردآوری عایدات و حساب دخل و خرج آن موکول به ایجاد یک دیوان یا اداره خزانه داری بود، و این عمل در عهد والی گری مغیره بن شعبه در عراق به کار رفت. یکی از عوامل مهم در این اقدام شخصی ایرانی بنام پیری یا پیروز که عامل این تغییر و اقدام بود، وی اهتمام بسیار برای این تغییرات به کار برد و پس از او پسرش زادن فرخ مدتی این کار را به عهده داشت. (بلاذری، ۱۳۶۷، ج ۴: ۵۶۸)

با استقرار نظام اموی حکومت اسلامی که پیشتر جنبه دینی داشت به تدریج به حکومت سلطنتی تبدیل شد و معاویه برای نخستین بار به تقلید از پادشاهان بساط پادشاهی گسترد و اعلام کرد که: «من نخستین پادشاه

عرب هستم.» (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۲۳۲) او به تقلید از نظام دیوانی ایران و روم، تغییرات عمده ای در نظام اداری دولت اسلامی ایجاد کرد و دیوان های چندی متناسب با اهداف خود در جامعه اسلامی پدید آورد. از این رو برخی معاویه را نخستین سازمان دهنده نظام بورکراسی عرب دانسته اند. (دنت، ۱۳۵۸ : ۶۵) دیوان های عراق و ایران به دست ایرانیان و به زبان فارسی، دیوان های شام به وسیله رومیان به زبان رومی، (ابن خلدون، ۱۴۰۸ ، ج ۱ : ۳۰۳) دیوان های مصر توسط قبطیان و به زبان قبطی اداره می شد. (کتانی، بی تا : ۲۰۲)

با در نظر گرفتن اینکه حکومت بنی امیه حکومتی بر بنیان اصل «عربی محض» بوده است، (زرین کوب ، ۱۳۷۱ : ۳۵۲) و بنیان و اساس آن بر قومیت گرایی آن هم عربی از نوع قریشی حجازی، به همین دلیل آنها تمام سعی و کوشش خود را کردند این ویژگی برای آنها ماندگار و از غیرعرب در دستگاه حاکمیت خود استفاده نکنند، به همین منظور آنها در سریع ترین وقت ممکن وقتی شرایط برای آنها مهیا شد خیلی از آثار و ساختارهایی که برای حکومت کردن لازم بود از امپراطوری روم برداشت کردند و آن را به عربی تبدیل کردند. همانند دیوان ها، ضرب سکه ها یا معماری یا نوع پوشش که نشانه هایی از نوع حکومت و زیست آنها می بود .

هنگامی که مسلمانان سرزمین های روم و ساسانی را فتح کردند و پهنه مسلمانان گسترده شد و دولت اسلام وسعت گرفت، آنان طراز را از رومیان اقتباس کردند. طراز یعنی نشان خاص که به قصد زینت و امتیاز بر بالای نامه ها یا بر لباس های خادمان و تابعان نقش می شدند. این موضوع در آن عهد و در بین رومیان، یونانیان، ساسانیان و مصریان رایج و معمول بوده است .

عرب ها تصویر را در طراز به کار نبرده زیرا تصویر در اسلام حرام بود. و جایگزین آن نوشته یا نقش نام یا کلمات و عبارت دیگر بوده است. این مسئله تا روزگار عبدالملک به رومی یا سریانی انجام می شد، اما از عهد این سلطان اموی این هم مانند سایر بنیادها به زبان عربی برگردانده شد. اول بار روی این کار از کاغذ شروع شد. در آن هنگام کاغذ را در مصر می ساختند. طرازی که به کار می رفت با این نشان بود پدر، پسر، روح القدوس. عبدالملک وقتی به مضمون این عبارت پی برد اعلام نمود که این مضمون با اسلام نمی تواند همخوان باشد. بنا به فرمانی به برادر خود عبدالعزیز بن مروان حاکم مصر امر نمود طراز کاغذ را به «لااله الاالله» نقش کنند. (بیهقی، ۱۳۷۴: ۴۶۸) از آن عهد این طراز با دستور عبدالملک به فرمانداران سرزمین اسلامی بر کاغذها به جای طراز رومی به کار رفت و طراز رومی را هم نابود کردند، درس بزرگی که اعراب مسلمان از شکست های اولیه جنگ های شام گرفتند؛ این بود که اسرع وقت ممکن به این نقص بزرگ پی برده و با سرعت عجیبی درصدد رفع آن برآمدند، از جمله این که در همین شکست ها، بسیاری فنون جنگی را از لشکر دشمن یاد گرفتند. دیگر این که قضیه تازه مسلمانان که از بین این نو مسلمانان عده ای به لشکرگاه اسلام می پیوستند و امتیازات دین جدید آنها را فریفته می نمودند و در زمره مسلمانان در می آمدند. نخستین بهره برداری که از اینها می شد، همین بود که جنگجویان اسلامی تحت سرپرستی آنان به فرا گرفتن تعلیمات جنگ می پرداختند. (عنان، ۱۳۶۸: ۱۵-۲۱-۲۵-۲۶)

بعد از برآمدن معاویه، دستگاه سلطنت به عنوان روش حکومتی سرزمین های اسلامی برگزیده شد. این نوع حکمرانی را معاویه با برداشت از نظام رومی و ساسانی برگزید و اجرا کرد، چون در ارتباط و همجوار با این سرزمین ها بود، این روش را برای حکمرانی برگزید. او

موضوعاتی از رومیان اقتباس نمود، از جمله سلطنت موروثی که بیشترین برداشت از نظام حکومتی و روش حکومتی رومیان بوده است. (زیدان، ۲۵۳۶ : ۹۴)

معاویه همانند تمامی حکومتداران مستبد کوشید تا ابهت و شکوهی در اطراف بارگاه خویش پدید آورد. در این روش او به تقلید از امپراطوران روم شرقی عمل می کرد؛ او شخصاً معتقد بود روش حکمرانی وی مایه رفاه عمومی، امنیت و برانداختن نزاع قبایل و وحدت و آیین قبایل و طوایف را از جیحون تا نیل بسط داده است. (بارتولد، ۱۳۵۸ : ۱۳) او عنوان کرد که روش انتخابی خلیفه در موقع جایگزینی خلیفه درگذشته مایه خرابی اوضاع و ایجاد نزاع های بی پایانی در سطح جامعه و حکومت پدید می آورد که به آشوب و هرج و مرج منجر می شد. (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱ : ۱۶۵) برای جلوگیری از آن می بایست روش موروثی که تقلیدی از رومیان و پادشاهی ساسانی بود را دنبال کرد. (ابن اثیر، ۱۳۷۳، ج ۵ : ۲۱۴۱) و به همین منظور برای جانشینی پسرش اقدام کرد، (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲ : ۷۹۲ - ۷۹۳) در نتیجه نظام سلطنت را جایگزین نظام خلافت نمود. (سالم، ۱۹۸۶ : ۶۱۵-۶۱۴)

تأسیس نظام ملک یا سلطنت از سوی معاویه به نظر نگارنده در پی این مسئله بود که سیادت قریش را که سال ها و سده ها در پی به دست گرفتن آن بودند نهایتاً به دست آورده و قدرت بلامنازع آن زمان شده اند و تمامی مسلمانان و اعراب به آن گردن نهاده اند. بنابراین بهترین موقعیت فراهم شده برای آنان بود تا آن را در خاندان خود موروثی و تثبیت و مستقر نمایند و خاندان بنی امیه ملوک جامعه اسلامی، قریش و اعراب باشد. همین رویه به خاندان اموی اجازه می دهد، با توجه به نحوی حکومتداری خویش و ساخت ایجاد شده، مسئله عربی بودن حاکمیت و نحوه زمامداری و حکمرانی در این سیکل، سیر بر عربی بودن، مصر و

اصرار کنند، و این مسئله را پایه اقتدار آنها بدانند. در ارتباط با ساختار سازی سیاسی دولت اموی و برتری یافتن حاکم به عنوان امیر یا پادشاه، بعضی از مورخین و جامعه شناسان می پندارند امویان نحوی حکومتی خویش را از نظام پادشاهی ساسانی یا امپراطوری رومی اخذ کرده اند. چرا که

معاویه برای خود بارگاهی همانند دربارهای بیزانس، ساسانی ترتیب داد و تشریفاتی و جلال و ابهت ساخت. این وضعیت نشان تأثیر تمدنی و ساختار نظام بیزانسی – ساسانی در ساخت و ساختار بنی امیه را نشان می دهد. ■

چیرگی و غلبه بر تمدن کهنسال امپراطوری روم و شاهنشاه ساسانی در شرق و غرب به سرزمین حجاز برخلاف القای شرق شناسان، نه با زور شمشیر، بلکه به مدد تأثیر ژرف پیام الهی بر فطرت پاک مردان ساکن این پیشروی اولیه مسلمانان، به واسطه پیام معنوی جدید و بیزاری مردمان از نظام های گذشته با کامیابی همراه بوده و تقریباً با سهولت و سرعت انجام گرفت؛ لیکن «پیوند معنوی» با مسلمانان جدید و پایدار ساختن «وفاداری سیاسی» به یک مرکز واحد مستلزم شرایط و لوازمی بود که در آن زمان کوتاه با دشواری بدست می آمد، لذا مشکلات فراوان به بار آمد و آسیب های ماندگاری بر پیکر اسلام رسید. دستگاه «خلافت» پس از پشت گذاردن، یک دوره «جهاد اعتلای» برای ابلاغ پیام رسالت، یکباره خود را با قلمروی گسترده ای مواجه دید که ترکیبی از فرهنگ های قومی و عادات سیاسی مختلف را در بر می گرفت. ■

نتیجه گیری:

در بررسی سیر ساخت دیوان سالاری و تطور اصول اداری قدرت سیاسی، عوامل اقتصادی، تمدنی و اجتماعی تأثیرگذار است. به ویژه ساختار سیاسی حکومت و نظام اداری بر مبنای دیدگاه و بر رابطه علی و تأثیر متقابل دارند. البته تأثیرات اصول و مبانی زیرساخت های اداری سیال بوده و با یکدیگر متداخل است. جامعه عرب پس از فتح ایران و روم با یک مجموعه نظام مند و پیچیده حکومتی مواجه شدند خوی و عادت زندگی بیابان نوردی آنها با حکومت و آداب و تشریفاتی درباری موافق نبود. اما پس از فتح سرزمین های متمدن، تحت تأثیر سنن و آداب حکومت داری آنها قرار گرفتند. خلفای اموی با اقتباس از سنت های بیزانسی و الهام از امور دیوانی ساسانیان و نیز با کمک نخبگان این امور در سرزمین های فتح شده، پایه های قدرت خود را استحکام بخشیدند. به همین منظور آنان دست به اعمالی زدند که به انتظام نظام اموی منجر شد آنها با به کار بردن نظام اداری، دیوانی و حقوقی بیزانسی در وهله اول و در مرحله دوم با برداشت از نظام دیوانی ساسانی به تأسیس موسسات و دیوان های خاص خویش اقدام نمودند به این ترتیب اقتدار سنتی پدرسالاری امویان با استخدام عناصر غیر عرب و بهره گیری از تشکیلات اداری به نظام سیاسی پاتریمونیال تحول یافت. بدین منظور سازمان های دولتی و تشکیلات که از قبل و به سادگی به یک یا دو دفتر کفایت می شد حال با وضعیت جدید پدید آمده، امور توسعه یافته و شاخ و برگ بسیاری بر آن افزوده شد. همین اقتباس اداری و ایجاد سازمان های عریض و طویل باعث سامان دهی و نظم ساختاری اداره خلافت و انتظام امور گردید و به تدام و استحکام خلافت امویان قوام بخشید.

منابع:

آذرتاش، آذرنوش (۱۳۸۸)، راه های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی (همراه با واژه های فارسی در شعر جاهلی)، تهران.

- ابراهيم حسن، حسن (۱۳۶۶)، تاريخ سياسى اسلام، ترجمه: ابوالقاسم پاينده، تهران، جاويدان.
- ابن اعثم كوفى، محمد بن على (۱۳۷۲)، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفى هروى، تهران، علمى فرهنگى.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۰)، العبر تاريخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آيتى، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگى.
- ابن فقيه، احمد بن محمد (۱۴۱۶)، البلدان، تصحيح: يوسف الهادى، بيروت: عالم الكتب.
- اتينگهاوزن، ريجارد و گرابار، الگ (۱۳۹۴)، هنر و معماری اسلامى (۱)، مترجم: يعقوب آزند، تهران: سمت.
- اسعدى، زهره (۱۳۸۷)، روابط خلفای بنی امیه با امپراتور روم شرقی، پیش شماره ۴، نشریه مسکویه، صفحه ۳۹-۵۸: دانشگاه آزاد واحد شهرری.
- اولاگوئه، ايگناسيو (۱۳۶۵)، هفت قرن فراز و نشیب تمدن اسلامى در اسپانيا، مترجم: ناصر موفقیان، تهران: شبانویز
- بارتولد، واسیلی ولاديميروويچ (۱۳۵۸)، خلیفه و سلطان، ترجمه سيروس ايزدى، تهران: انتشارات اميرکبير.
- بارتولد، واسیلی ولاديميروويچ (۱۳۵۸)، خلیفه و سلطان، ترجمه سيروس ايزدى، تهران، انتشارات اميرکبير.
- بلادری، احمد بن يحيى (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمدتوکلى، تهران: نقره.
- بيضون، لييب (۱۳۹۸)، دانشنامه اعجاز علمى پیامبر (ص)، ترجمه عبدالطيف راشدى، تهران، پیام بهاران.
- بيهقى، محمد بن حسين (۱۳۷۴)، تاريخ بيهقى، ترجمه على اکبر فياض، تهران، هيرمند.
- تولايى خوانسارى، حسين (۱۳۸۸)، تاثير معماری بيزانس و ساسانى بر معماری دوره اموى، نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۳۸، صفحه ۸۶-۹۵.
- جهشيارى، محمد بن عبدوس (۱۳۴۸)، کتاب الوزراء و الكتاب، ترجمه ابوالفضل طباطبائى، تهران، تابان.
- حلاق، حسان على (۱۹۷۶)، تعريب النقود و الدواوين، بيروت، دار الكتاب اللبنانى.

دری، نجمه (۱۳۸۶) ۱۳۸۶، تأثیر پذیری اعراب از ایرانیان در آداب حکومت داری، مجله مطالعات ایرانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان های ایرانی، سال ششم، شماره ۱۱، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

دورانت، ویل (۱۳۷۳)، تاریخ تمدن - عصر ایمان - بخش یکم، ترجمه ابوطالب صارمی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ چهارم، ج ۴.

رایس، دیوید تالبوت (۱۳۷۵)، هنر اسلامی، مترجم: ماه ملک بهار، تهران: علمی فرهنگی.

زیدان، جرجی (۲۵۳۶)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهرکلام، تهران، انتشارات امیرکبیر.

سالم، عبدالعزیز (۱۹۸۶)، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقرصدری نیا، تهران: علمی و فرهنگی.

طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۳)، تاریخ طبری، ج ۹، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.

طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، الطبعة الثانية، ج ۶.

عبدالمقصود، عبدالفتاح (۱۳۶۶)، علی ابن ابی طالب- تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام، ترجمه سید محمد مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.

عروی، عبدالله (۱۳۸۱)، اسلام و مدرنیته، ترجمه امیر رضایی، انتشارات قصیده سرا.

علام، نعمت اسماعیل (۱۳۸۲)، هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی، ترجمه ی دکتر عباس تفضلی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

عنان، محمد عبدالله (۱۳۶۸)، صحنه های تکان دهنده در تاریخ اسلام، ترجمه، علی دوانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

فرای، ریچارد (۱۳۶۳)، تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ترجمه حسن انوشه، تهران، نشر امیرکبیر، ج ۴.

گرابار، اولگ (۱۳۷۹)، شکل گیری هنر اسامی، مترجم: مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

گارده، لوئی (۱۳۷۰)، اسلام دین و امت، ترجمه رضا مشایخی، تهران، شرکت سهامی انتشار.

لوکاس، هنری (۱۳۷۶)، تاریخ تمدن- از کهن ترین روزگار تا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات سخن، ج ۱.

محمدی ملایری، محمد (۱۳۶۱)، تاریخ و فرهنگ ایران، تران: توس.

مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، مترجم: علینقی وزیری، تهران: شرکت مولفان و مترجمان

مناظر احسن، محمد (۱۳۸۳)، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، چاپ سوم، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.

هیلن برنر، روبرت (۱۳۹۳)، معماری اسلامی: شکل کارکرد و معنی، مترجم: باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: روزنه.

هولت، پی. ام، آن. ک. س. لمبتون (۱۳۷۷)، تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات امیرکبیر.

یارشاطر، احسان (۱۳۷۷)، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان - قسمت دوم، ترجمه حسن انوشه، تهران، نشر امیرکبیر، ج ۳.

Abstract

In many studies related to the Umayyad period, the role and influence of foreign civilizations on the Umayyad bureaucracy can be seen. On the one hand, the Umayyads were influenced by their bureaucratic style due to their ignorance and lack of organization, and on the other hand, due to the skills of foreign countries in state affairs. Therefore, the continuation of the Umayyad government and bureaucracy is a debt of the Roman and Sassanid government before Islam. Therefore, this research, with a descriptive-analytical approach based on library data, seeks to find an answer to the question of how the Umayyad governance and administrative organization was influenced by foreign civilizations. The findings of this research show that the civilizational wealth and bureaucratic system of foreign countries, due to the Arabs' neighborhood and dominance over the territory of these emperors, imitated their administrative apparatus and continued their administration and organizations in the style and style of the Byzantine and Sassanid governments.

Keywords: Umayyads, bureaucracy, governance, Byzantium, Sasanians.